

w w w . t i z l a n d . i r



مرجعی برای همه دانش‌آموزان باهوش سرزمینمان، ایران

شمارهٔ بیست و دو ۲۲
شهریور ماه ۹۸



شماره بیست و دو شهریور ماه ۹۸



نشریه داخلی سرزمین تیزهوش‌ها «انتشار الکترونیک»

تیزلند | www.tizland.ir | ۰۲۱۸۸۹۹۶۳۱۶-۱۷

مدیر مسئول: عادل طالبی | adeltalebi@tizland.ir

مدیر اجرایی: شیرین محمدی | mohamadi@tizland.ir

طراح گرافیک و صفحه‌آرا: یاسمن مرادی

تاریخ انتشار: شهریور ۱۳۹۸، شماره بیست و دو

منبع مطالب: سایت تیزلند و سایت چطور

انتشار این فایل به صورت الکترونیک آزاد است.

فهرست محتوا:

- ۱ کدام دانش آموز، کدام رشته؟!
- ۲ بچه ها از چه سنی زبان بخوانند؟
- ۳ آموزش مهارت های زندگی به کودکان
- ۴ شناسایی توانمندی های هوشی در راستای پرورش تحصیلی و شغلی
- ۵ آموزش فراگیر چیست؟
- ۶ چگونگی پرورش جنبه های هوش در کودکان و نوجوانان
- ۷ چگونه می توانیم در فرزندان خود انگیزه ی یادگیری ایجاد کنیم؟
- ۸ چگونه می توانیم حل مسئله را به فرزندان آموزش دهیم؟

پرونده‌ای برای دانش‌آموزان دبیرستانی که این روزها باید اولین تصمیم مهم زندگی‌شان را بگیرند

خشت اول

بدون شک هر انسانی در طول زندگی خود، چندین انتخاب مهم دارد که هر کدام بر دیگری و بر آینده کلی زندگی‌اش تاثیرگذار است. شاید بتوان گفت در شرایط معمولی، انتخاب شغل، انتخاب رشته دانشگاهی، انتخاب همسر و ... از جمله مهم‌ترین انتخاب‌هاست که ذهن بسیاری از افراد را در زمان مربوط به خود، مشغول می‌سازد. اما آنچه در میان انتخاب‌های مهم زندگی مغفول مانده، انتخاب رشته تحصیلی در مقطع دبیرستان است. انتخابی که اتفاقاً جزو اولین تصمیم‌های مهم یک فرد محسوب می‌شود و به نوعی مسیر زندگی آینده‌اش را مشخص می‌کند و قطعاً بر انتخاب‌های دیگر زندگی او به خصوص در انتخاب رشته دانشگاهی و انتخاب شغل تاثیر زیادی دارد. این در حالی است که معمولاً این انتخاب چندان مهم تلقی نمی‌شود.

از طرفی فرد هنوز در دوران نوجوانی و ورود به دوران جوانی به سر می‌برد و شناخت کافی از علایق خود، استعدادها و همچنین آینده تحصیلی‌اش ندارد و از سوی دیگر آنچه بیشتر ذهن والدین را درگیر می‌کند ثبت‌نام در مدرسه‌ای خوب است تا رشته‌ای مناسب. شاید در این میان نقش مشاوران تحصیلی مدارس

قصد انتخاب رشته دارند... معدلت بالاست، برو ریاضی! پررنگ‌تر از سایر نقش‌ها باشد. با این حال پرونده امروز زندگی سلام توصیه‌هایی دارد برای دانش‌آموزانی که تاملی بر مشاوره‌های عجیب‌وغریب انتخاب رشته دبیرستان!

سال اول دبیرستان که تمام می‌شد، کارنامه تحصیلی‌ات را می‌گذاشتند جلوی پدر و مادرت و در حضور خودت می‌گفتند نمره‌هایش خیلی خوب است معدلش هم بالا شده، پس در رشته ریاضی ثبت‌نامش کنید. پدر و مادر هم سرشان را بالا

می‌گرفتند و با خوشحالی این که فرزندشان قرار است رشته ریاضی فیزیک بخواند، جلوی همه فامیل، حرفی را که مشاور مثلاً تحصیلی مدرسه گفته بود، تعریف و کیفش را می‌کردند. این ماجرا برای خیلی از ما آشناست. حتی ممکن است نمونه عکس آن هم برای بعضی‌ها آشنا باشد یعنی زمانی که معدل دانش‌آموزی کم شده بود و مشاور معتقد بود که او اصلاً کشش

رشته‌های نظری را ندارد و باید برود هنرستان؛ و این طور شد که هنرستان یا در بهترین حالت رشته علوم انسانی در نظر همه تبدیل شد به رشته‌هایی برای دانش‌آموزانی که در تحصیل ضعیف هستند.

در مشاوره‌هایی که در دبیرستان‌ها و دقیقاً همان روزهای انتخاب رشته دبیرستانی انجام می‌گرفت، هیچ خبری از بررسی علایق و استعدادها دانش‌آموزان نبود. نهایت توجهی که ممکن بود به دانش‌آموزی شود این بود که می‌پرسیدند می‌خواهی چه شغلی داشته باشی؟

مسلماً نوجوانی که تا ۱۵ سالگی اصلاً به این موضوع فکر نکرده یا هیچ شناختی درباره توانایی‌های خودش ندارد، نمی‌تواند یک شبه بفهمد که دوست دارد در آینده چه شغلی داشته باشد و حالا باید برای آن شغل فلان رشته را در دبیرستان بخواند تا پایه‌اش برای انتخاب رشته دانشگاهی‌اش قوی شود.

متأسفانه در سیستم آموزشی ما و حتی در خانواده‌ها، شرایطی فراهم نمی‌شود که دانش‌آموز بداند چه علایقی دارد و آیا در زمینه علاقه‌مندی‌هایش توانایی هم دارد یا نه. در این حالت طبعاً

شرایطی هم به وجود نخواهد آمد که ضعف‌هایش را برطرف کند و یا توانمندی‌هایش را بیشتر بروز دهد. در این شرایط تبدیل می‌شود به یک کتاب جغرافیا یا یک ماشین حساب یا یک هندبوک پر از فرمول که در حقیقت هیچ توانایی عملی و اجرایی ندارد و فقط یک مجموعه اطلاعات را به حافظه سپرده است و جای استفاده آن را هم نمی‌داند. حالا یکدفعه می‌افتد توی معرکه انتخاب رشته و قرار است بین رشته‌های مختلف، رشته‌ای انتخاب کند که زمینه پرورش و یادگیری بنیادی‌اش را رقم می‌زند و در صورتی که انتخابش با شناخت خود، شناخت رشته و آینده شغلی رشته‌اش و ظرفیت دانشگاه‌های ایران برای گرایش‌های این رشته، هیچ هماهنگی نداشته باشد سال‌های زیادی از بهترین موقعیت تحصیلی و زمان مناسب یادگیری‌اش به هدر می‌رود. گاهی سفارش برخی از مشاوران به خانواده‌ها و دانش‌آموزان این است که برای این که ذهن فرزندشان بازتر و خلاق‌تر شود، حتماً رشته ریاضی را در دبیرستان بخوانند و بعد هر کنکوری که می‌خواهند شرکت کنند.



شاید این موضوع از جهتی قابل تامل باشد که مفاهیم ریاضیاتی و ادراکی و تحلیلی به اندازه کافی در همه رشته‌ها توزیع نشده است و برای اینکه ذهن خلاق‌تر و کارآمدتر شود نیاز است دانش آموز تا حدی این موضوعات را فراگیرد ولی از طرفی باید به این موضوع نیز دقت کرد که سه سال زمان کوتاهی نیست برای این که یک دانش آموز درسی را بخواند که به هیچ وجه از آن خوشش نمی‌آید. شاید بهترین روش برای این که انتخاب رشته تحصیلی دبیرستانی یک دانش آموز به لحظه دیدن کارنامه و معدلش موکول نشود، این است که هر خانواده‌ای تا حدی که از دستشان برمی‌آید، برای علاقه‌مندی‌های فرزندشان زمان بگذارند، به آن توجه کنند و اجازه بدهند با حضور در کلاس‌های اوقات فراغت یا دوره‌های آموزشی، فرزندشان در مسیری که دوست دارد پیشرفت کند.

کتاب‌ها با موضوعات مختلف، بازی‌های فکری مناسب و حرف زدن و توجه کردن به دغدغه‌ها و توانایی‌های فرزندانشان می‌تواند مدت تصمیم‌گیری دشوار و سرنوشت‌ساز انتخاب رشته در دبیرستان را از یک لحظه و یک روز به چندین سال افزایش دهد. با این شیوه، به عنوان مثال دانش‌آموزی که می‌داند در زمینه‌های مختلف هنر توانایی دارد و به هیچ وجه هم علاقه‌ای به دروس ریاضیاتی و محاسباتی ندارد، حتی اگر نمره‌های بالا در آن درس‌ها می‌آورد، به زور مادر و پدر و به حرف مشاور مدرسه‌اش ناگزیر نمی‌شود رشته ریاضی فیزیک را برگزیند در حالی که یقین دارد نمی‌خواهد در دانشگاه رشته‌های این حوزه را بخواند و سه سال خودش را با مفاهیمی بگذراند که نه تعلق خاطری به آن‌ها دارد و نه زمانی برای پرورش هنرش باقی می‌گذارد.

توصیه‌های مشاور تحصیلی به دبیرستانی‌هایی که امسال می‌خواهند انتخاب رشته کنند

کدام دانش‌آموز، کدام رشته؟

انتخاب رشته دبیرستان یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که دانش‌آموزان و اولیای آنان باید اتخاذ کنند. به عبارت دیگر شاید بتوان آن را مهم‌ترین تصمیم دانش‌آموزان در دوران تحصیل دانست.

انتخاب یک رشته دبیرستانی مناسب و متناسب با علایق، توانایی و استعدادها دانش‌آموز، می‌تواند بر کیفیت زندگی آن‌ها در آینده تاثیر بسیار مثبتی بگذارد چرا که بسیاری از تصمیم‌هایی که فرد در آینده خواهد گرفت و بسیاری از انتخاب‌هایی که در آینده خواهد داشت، به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر رشته دبیرستانی وی خواهد بود.

انتخاب رشته دبیرستان یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که دانش‌آموزان و اولیای آنان باید اتخاذ کنند.

به عبارت دیگر شاید بتوان آن را مهم‌ترین تصمیم دانش‌آموزان در دوران تحصیل دانست. انتخاب یک رشته دبیرستانی مناسب و متناسب با علایق، توانایی و استعدادها دانش‌آموز، می‌تواند بر کیفیت زندگی آن‌ها در آینده تاثیر بسیار مثبتی بگذارد چرا که بسیاری از تصمیم‌هایی که فرد در آینده خواهد گرفت و بسیاری از انتخاب‌هایی که در آینده خواهد داشت، به صورت مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر رشته دبیرستانی وی خواهد بود.



برای خواندن مقاله QR را اسکن کنید

داشتن یک زندگی سالم و هدفمند خواسته هر فردی در جامعه است، از این رو آموزش مهارت‌های زندگی از کودکی مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله خلاصه ای از مهارت‌های زندگی که باید به کودکان آموزش داده شود مطرح شده است.



آنها را برای تبدیل شدن فرزندان خود به بزرگسالان مودب در آینده دارند. اوضاع برای دانش‌آموزان مدرن مهم‌تر از همیشه است و دنیای شلوغ از آنها می‌خواهد تا در اسرع وقت یاد بگیرند.

تعاملات اجتماعی

دانش‌آموزان باید یاد بگیرند چگونه با دیگران در یک سطح اجتماعی ارتباط برقرار کنند. معلمان باید به صورت رسمی به کار گرفته شوند و با دانش‌آموزان برخورد محترمانه‌ای صورت گیرد. یادگیری عملکرد در جامعه، در خانه آغاز می‌شود، اما تقویت آن از طریق مدارس است که به کودکان در هنر متمدن شدن کمک می‌کند.

آموزش رفتار مناسب

بسیاری از دانش‌آموزان باید قبل از اینکه بتوانند فارغ‌التحصیل شوند، کار کنند، و رفتار مناسب در جامعه یکی از جنبه‌های مهم آموزش آنها است. در حالی که بسیاری از مدارس آن را به عنوان یک موضوع جداگانه فهرست نمی‌کنند، تعامل آنها با دانش‌آموزان و مربیان دیگر توسط سیستم پیگیری می‌شود. کسانی که از لحاظ یادگیری رفتار اجتماعی مناسب، پیشرفت می‌کنند، در طول زندگی با داشتن دوستان خوب، به دلیل احترام به دیگران، پاداش می‌گیرند.

دانش‌آموزان جوان‌تر بیشتر مستعد یادگیری هستند و معلمان از کار دشوار آموزش که با آن روبرو هستند، آگاه هستند. در حالی که بسیار از دانش‌آموزان نسبت به هم سن و سال‌هایشان اطلاعات تحصیلی زیادی دارند، دانش محدودی نسبت به جهان خارج از خانه خود دارند. آنها معمولاً با خانواده ارتباطات نزدیک و خوبی دارند و در مراکز خرید و تفریح با افرادی که دوست دارند، وقت می‌گذرانند.

موقعیت‌های اجتماعی

تجربه آنها، حتی برای کسانی که تجربه اینترنت گسترده و رسانه‌ای دارند، همچنان محدود است. برخورد با بسیاری از موقعیت‌های مختلف اجتماعی چیزی است که آنها باید یاد بگیرند و به سیستم مدرسه وارد می‌شوند تا آنها را آموزش دهند.

رفتار دانش‌آموزان مدرن

با نگاهی نزدیک به هر نمایش تلویزیونی درمیابیم که به‌ندرت صحنه‌های ویدئویی از کودکان با رفتارهای مناسب تولید می‌شود، و والدین اندکی در واقع در مورد این موضوع فکر می‌کنند. آنها زندگی پرمشغله دارند و فرزندان‌شان به‌ندرت تمایل به اشاره به این موضوع دارند که آنچه که در تلویزیون می‌بینند در مواجهه با رفتار پدر و مادرشان در برابر تدریس والدینشان تأثیر می‌گذارد.

رفتارهای اجتماعی

خوردن شام رسمی، معرفی دوستان و یا حتی درک اینکه چگونه با دیگران ارتباط برقرار کنید، از طریق سرگرمی‌های روزمره آموزش داده نمی‌شود. پدر و مادر بهترین‌ها را انجام می‌دهند، اما آنها نیاز به اطلاعات اساسی و حمایت مدارس برای کمک به



همه‌ی انسان‌ها با توانایی‌های ذاتی‌ای خلق شده‌اند. زمانی این توانایی‌ها فرصت بروز و پرورش می‌یابند و می‌توانند آینده‌ی تحصیلی و شغلی افراد را تامین کنند که به نحو صحیح شناسایی شده و به‌کار گرفته شوند.

را باهوش و برخی را کم هوش در نظر گرفت. برخی افراد بهره‌ی هوشی بسیار بالایی دارند و به عنوان مثال به خوبی می‌توانند مسائل ریاضی را حل کنند اما نمی‌توانند مفاهیم موجود در یک متن را بفهمند و به طور کامل آن را توضیح دهند. در مقابل دسته‌ای دیگر می‌توانند مفاهیم موجود در یک متن را به خوبی دریافت کنند و حتی در توضیح دادن آن می‌توانند، مطالبی را فی‌البداهه مطرح کنند اما این دسته نمی‌توانند با معادلات ریاضی ارتباط برقرار کنند و به سختی می‌توانند مسائل ساده ریاضی را حل کنند. لیکن باین وجود نمی‌توان گفت که فردی که به خوبی می‌تواند مسائل ریاضی را حل کند قطعاً نمی‌تواند مفاهیم یک متن را درک کند و برای دیگران توضیح دهد و فردی هم که می‌تواند مفاهیم متن را دریابد و توضیح دهد نمی‌تواند مسائل ریاضی را حل کند. قطعاً افرادی وجود داشته که این دو توانایی را در حد اعلی دارند اما تمامی افراد در برخی موقعیت‌های یادگیری بسیار خوب عمل می‌کنند و در برخی موقعیت‌ها عملکرد چندان مناسبی ندارند. از این رو برخی محققان هوش در پی پژوهش‌های به عمل آمده خود، به دسته‌بندی در رابطه با هوش دست زده‌اند و هوش را به انواع مختلف تقسیم کرده‌اند.

تا انسان‌ها به این درک برسند که توانایی‌ها متفاوت است اما وجود دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان کم هوش و بی‌استعداد دانست. در ادامه به یکی از مقبول‌ترین دسته‌بندی‌های معروف در رابطه با هوش اشاره می‌شود. توجه به این دسته‌بندی و ویژگی‌های آن سبب می‌شود که ما با بینش بهتری در رابطه با خود و فرزندان مان تصمیم گرفته و در جهت صحیح گام برداریم.



هوش یکی از موهبت‌های بزرگ در جهان هستی است و تمامی انسان‌ها و حیوانات از آن برخوردار هستند. زمانی که صحبت از هوش به میان می‌آید، اغلب مردم تصور می‌کنند که هوش، یک توانایی ذهنی است و برخی از این توانایی تا حد زیادی برخوردارند و برخی این توانایی را در حد طبیعی یا پایین‌تر از این حد دارند. این تصور سبب می‌شود که وقتی صحبت از موفقیت یا عدم موفقیت دانش‌آموزان به میان می‌آید، والدین به این نتیجه می‌رسند که دلیل افت یا پیشرفت اندک فرزندان، ناشی از سطح هوش پایین اوست. در صورتی که این استنباط صحیح نمی‌باشد و نمی‌توان به دانش‌آموزی که در یک پایه تحصیلی یا در یک درس، یادگیری محدودی داشته برچسب کم هوش را نسبت داد. گاهی چنین برچسب‌هایی سبب می‌شود که فردی به این باور برسد که کم هوش است و تا پایان عمر نتواند استعدادهای خود را یافته و شکوفا سازد. زمانی می‌توان این برچسب‌ها و دیدگاه‌های نادرست را کنار زد که بتوان تعریف صحیحی از هوش ارائه داد. از این رو محققان و روان‌شناسان در پی این بودند که تعریف صحیحی از هوش ارائه بدهند. اغلب این افراد هوش را توانایی حل مسئله و سازگاری فرد با محیط اطرافش می‌دانستند. این تعریف اگر چه تعریف عمومی هوش نیست اما مقبول‌ترین تعریف در این زمینه است. تعریف فوق نشان می‌دهد که هوش تنها محدود به بهره‌ی هوشی یا همان آیکو نمی‌شود و نمی‌توان صرفاً برخی افراد

برای خواندن مقاله QR را اسکن کنید



آموزش فراگیر یک فرایند است؛ یعنی مجموعه ای از فعل و انفعالات، ارکان و عناصری که به نحو سازمان یافته‌ای با یکدیگر در ارتباط بوده و در نهایت منجر به ایجاد یک محصول یا خدمت می‌شوند.

تعریفی ساده از آموزش فراگیر

آموزش فراگیر به جای مدارس استثنائی

آموزش فراگیر نسبت به مدارس استثنائی که به ندرت کودکان را با واقعیت‌های جامعه آشنا می‌سازند، نتایج اجتماعی، علمی، بهداشتی و اقتصادی بهتری را به ارمغان می‌آورد.

با توجه به تحقیقات تیم پژوهشی این مطلب، از استادهای با تجربه که در زمینه‌های تدریس خصوصی ریاضی، تدریس خصوصی زبان و آموزش کودکان استثنائی فعالیت وسیعی دارند، باید عنوان کرد که آموزش فراگیر همچنین تأثیرات مثبتی را برای هر دو گروه دانش آموزان عادی و دانش آموزان کم توان دارد. این نوع از نظام آموزشی، ارج نهادن به تفاوت ها را در جوامع افزایش می دهد و همچنین از درد و رنج خانواده‌های این دانش آموزان می‌کاهد.

نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد هزینه‌های آموزش فراگیر نسبت به مدارس استثنائی می‌باشد. گران بودن آموزش فراگیر تصور نادرستی است که به دلیل عدم آگاهی وجود دارد. به عنوان مثال، یونسکو با مطالعه ای دریافت که در پاکستان مدارس استثنائی برای هر دانش آموز ۵۱ برابر گرانتر از مدارس عمومی است که شامل کودکان معلول می‌شوند. شواهد از کشورهای دیگر مانند بنگلادش، کامبوج، هند، نپال و فیلیپین نیز نشان می‌دهد که بازده سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش برای افراد معلول دو تا سه برابر بیشتر از افراد عادی است.

بنا بر تحقیقات تیم پژوهشی سایت استاد سلام فعال در زمینه تدریس خصوصی، در این مطلب نگاهی جامع به آموزش فراگیر خواهیم انداخت، آموزش فراگیر به زبان ساده یعنی همه دانش آموزان صرف نظر از محدودیت‌های جسمی، توانایی‌ها و سطوح مختلف توانمندی به مدارس مشابه بروند و بتوانند از امکانات آموزشی در نزدیکی محل زندگی خود بهره‌مند شوند. کودکانی که در آینده خواه‌ناخواه با اقبال مختلف جامعه در ارتباط خواهند بود، بنابراین لازم است که از سنین کودکی در کنار مردم عادی بوده و با آنها تعامل و ارتباط داشته باشند.

چرا آموزش فراگیر؟

آماري شگفت انگيز اما واقعي بيان مي کند که بیش از ۲۳ میلیون کودک معلول در کشورهای در حال توسعه به دلیل کم توانی و معلولیت از آموزش بی بهره اند! این آمار سه برابر کل جمعیت کشوری مانند سوئد است! کم توانی آنها نسبت به هر عامل دیگری از جمله جنسیت، محل سکونت و یا شرایط خانواده بر استفاده از فرصت آموزش و یادگیری آنها تأثیر گذاشته است. دور بودن از فضای آموزشی مانع از این می‌شود که بتوانند با همسالان خود ارتباط بگیرند، دوستان مختلفی پیدا کنند، توانایی خواندن و نوشتن بیابند و به مهارت‌های حیاتی مورد نیاز برای کار در آینده دست یابند. بنابراین لازم است که با این بی‌عدالتی مبارزه کنیم.

فلسفه آموزش فراگیر بر این پایه استوار است که با حذف برچسب‌ها و نگاه‌های آزاردهنده از افراد کم توان حمایت کرده و آنها را به عنوان اعضای جامعه معرفی نماید. اعضای که مانند دیگر افراد جامعه حق زندگی داشته و باید از تمام امکانات و شرایط موجود در جامعه استفاده نمایند. نگاه این نوع آموزش این است که توانایی‌های متفاوت افراد را به عنوان مقوله ای طبیعی در نظر بگیرد و به همه افراد جامعه یادآور شود که در قبال یکدیگر مسئول هستند و باید نسبت به رشد و تعالی کل جامعه تلاش نمایند. همچنین در این نوع از آموزش افراد از یکدیگر یاد می گیرند و آنچه را می دانند به یکدیگر یاد می دهند. در نتیجه این نوع از آموزش نه تنها برابری فرصت های آموزشی برای همگان را مد نظر قرار می دهد، بلکه حرکت رو به جلو و رشد و توسعه را نیز ممکن می‌سازد.

آموزش فراگیر به دنبال این است که نیازهای آموزشی افراد مختلف با درجات متفاوتی از هوش، استعداد و توانایی را درک کرده و در جهت رفع این نیازها متناسب با شرایط افراد گام بردارد.



چگونگی پرورش جنبه‌های هوش در کودکان و نوجوانان

زمانی هوش کودکان و نوجوانان می‌تواند بهترین عملکرد را داشته باشد که والدین از جنبه‌های گوناگون آن آگاهی داشته باشند و متناسب با ویژگی‌های این جنبه‌ها با کودکان و نوجوانان برخورد کنند.



هوش یک پدیده‌ی چند وجهی و پیچیده می‌باشد. براین اساس از ابتدای شکل‌گیری دانش شناختی بشر به بررسی آن پرداخته شده و نظریه‌های نیز ارائه شده است. در مقالات پیشین به دو نظریه‌ی گاردن و ترستون در این رابطه اشاره گردید. در کنار دسته‌بندی‌های گاردنر و ترستون از هوش و بررسی ویژگی‌های آن، تقسیم‌بندی استنبرگ مطرح می‌گردد. استنبرگ در تقسیم‌بندی خود علاوه بر بررسی شناختی هوش به‌وجه خلاقیت آن نیز پرداخته است و از این رو نظریه‌ی او می‌تواند راهنمای موثری برای پرورش تفر خلاق و یادگیری آفریننده باشد.

استنبرگ معتقد است که هوش انسان از دو مهارت یادگیری و تفکر ساخته شده است که با بهره‌گیری صحیح از این دو مهارت، دانش‌آموزان می‌توانند مسائل علمی و آموزشی خود را حل کنند و بزرگسالان نیز می‌توانند به شکل صحیح مشکلاتشان را برطرف سازند.

براین اساس پرداختن به این نظریه ضرورت دارد.

استنبرگ معتقد است که هوش انسان سه چهره دارد. از یک سو هوش تحلیلی است و از یک سو آفریننده و خلاق است و از سویی دیگر عملی است. هوش تحلیلی به توانایی‌ای اشاره می‌کند که هر یک از مادربرخورد با اتفاقات زندگی داریم. فردی که هوش تحلیلی خوبی داشته باشد. بسیار مقاوم است. خوب فکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد. دهن‌بین نبوده و با اطمینان رو به جلو حرکت می‌کند. چنین فردی اگر در زمینه‌ی درسی یا زندگی شخصی به مشکل برخورد، توانایی مصون نگه داشتن خود را دارد و با تصمیم‌های صحیح سعی در جبران شکست‌های خود می‌کند. از این رو به پرورش این هوش تاکید بسیاری شده است و این تاکید زمانی بیشتر می‌شود که فرد در دوران حساس و سرنوشت‌ساز تحصیلی خود قرار داشته باشد. این هوش تا حد زیادی قابل پرورش می‌باشد. زمانی که فرد از دوران کودکی در وضعیت استقلال به‌سر ببرد. اطرافیان او در زمان ایجاد مشکل با درایت و خویشتنداری به حل‌وفصل مشکل بپردازند و روحیه‌ی خودباوری و تلاش را در فرزند خود پرورش دهند، می‌توانند در آینده نیز فرزندی تحلیل‌گر و منطقی داشته باشند.



برای خواندن مقاله QR را اسکن کنید

چگونه می‌توانیم در فرزندان خود انگیزه‌ی یادگیری ایجاد کنیم؟

زمانی‌که یادگیری به واسطه‌ی انگیزه شکل بگیرد، می‌تواند بهترین عملکرد را در کودکان و نوجوانان به دنبال داشته باشد. والدین و معلمان با بهره‌گیری از راهکارهایی مناسب، می‌توانند در ایجاد و پرورش انگیزه راهگشا باشند.



انگیزه و علاقه برای یادگرفتن، یکی از اصلی‌ترین عامل‌هایی است که باعث می‌شود که یادگیری حقیقی و واقعی در یادگیرنده شکل بگیرد. گاهی اوقات افراد خود علاقه به یادگیری دارند و این علاقه باعث می‌شود که به مطالعه‌ی کتاب بپردازند. در خانه و مدرسه به صحبت‌ها و آموزش دیگران گوش بدهند و سعی کنند که فعالانه در بحث علمی شرکت کنند، لیکن در بسیاری از مواقع کودکان علاقه به یادگیری و فعالیت ندارند. در چنین مواقعی فرد آموزش دهنده (معلم یا یکی از والدین) باید تلاش کنند تا علاقه و انگیزش را در او ایجاد کنند. گاهی معلم با دادن جایزه و گفتن کلمات تحسین برانگیز و همچنین تعریف کردن از عملکرد گذشته‌ی کودک می‌کوشد که در او ایجاد انگیزه کند، اما این راهکارها بیشتر متناسب با کودکان مقطع ابتدایی می‌باشد. در این سنین فرد برای جایزه و تشویق درس می‌خواند و تلاش می‌کند. هر چه کودک به سنین نوجوانی نزدیکتر می‌شود دیگر تشویق کلامی و جایزه بر روی او تاثیر اندکی دارد. در این راستا بهتر است که معلمان و والدین با پرسیدن سوالات ساده که نوجوان فوراً می‌تواند به آنها پاسخ دهد، در او علاقه و انگیزش به یادگیری را ایجاد کنند. در این موقعیت است که نوجوان با آسودگی به سوالات ما پاسخ می‌دهد و مسائل را حل می‌کند. او از این موفقیت‌های کوچک احساس شادمانی کرده و این احساس او را به انگیزه‌ی بیش‌تر برای یادگیری تشویق می‌کند.

کنجکاوی، یکی از موارد دیگری است که سبب می‌شود نوجوان به سوی یادگیری بیشتر ترغیب شود. برانگیختن حس کنجکاوی سبب می‌شود که فرد با عطش فراوان به دنبال مجهولات برود و در این راه بی وقفه تلاش کند. در این راستا والدین و معلمان می‌توانند با آوردن مسائل جذاب و معما گونه نوجوانان را به سوی کنجکاوی و جستجوگری بکشانند.

هدف و هدف‌گذاری همانند طرح مسئله و برانگیختن کنجکاوی، می‌تواند به عنوان نیروی محرکه‌ی کودکان و نوجوانان برای یادگیری محسوب شود. این امر بیشتر در زمانی صدق می‌کند که آن‌ها در موقعیت‌های سرنوشت‌ساز مانند کنکور سراسری قرار دارند. علاوه بر ایجاد انگیزش و علاقه در فرد برای انجام کارها، می‌توان با توجه کردن به کودکان و نوجوانان در هنگام صحبت کردن و اظهارنظر، و همچنین برخورد صحیح با آنها در زمان انجام کار اشتباه یا سهل‌انگاری، احساس شایستگی، عزت‌نفس و استقلال را در آن‌ها ایجاد کنیم. چنین ویژگی‌هایی محرک فرد برای یادگیری و انجام دادن مهارت‌ها می‌باشد.



برای خواندن مقاله QR را اسکن کنید

چگونه می‌توانیم حل مسئله را به فرزندان آموزش دهیم؟

ذهن پویا می‌تواند با تحلیل‌های کارآمد انواع یادگیری را ایجاد کند. پویایی ذهن تا حد بسیاری تحت‌تأثیر توانایی حل مسئله است. توانایی حل مسئله ذاتی نبوده و مهارتی آموختنی است.

یکی از مهمترین اصول در آموزش و یادگیری تفکر است. حل مسئله گسترده‌ترین نوع تفکر است. زمانی که فرد بتواند مسائل درسی و علمی را حل کند، به خلاقیت و تفکر انتقادی نیز می‌رسد و قادر است که در زندگی سازگار و کاردان عمل کند. در ادامه به توانایی حل مسئله پرداخته می‌شود. حل مسئله، یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزشی به شمار می‌آید و یکی از انتظارات والدین و معلمان کسب توانایی حل مسئله می‌باشد. از این رو از گذشته تا کنون روان‌شناسان و نظریه‌پردازان گوناگون به بررسی این مهارت پرداخته‌اند. در رابطه با حل مسئله می‌توان گفت زمانی که فرد یادگیرنده در یک موقعیت پیچیده قرار می‌گیرد (مثلاً با یک تمرین ریاضی دشوار روبه رو می‌شود) و نمی‌تواند با استفاده از دانش و اطلاعات خود آن را حل کند، می‌گوییم او توانایی حل مسئله را ندارد. گاه فرزندان ما در مطالعه‌ی دروس بسیار کوشا هستند و سوالات سطحی را به خوبی پاسخ می‌دهند، اما زمانی که با یک مسئله‌ی دشوار روبه‌رو شدند، نمی‌توانند دانش خود را به کار گیرند و آن را حل کنند. در اینجا است که آنها با وجود مطالعه و تلاش بسیار به موفقیتی نمی‌رسند و سرخورده می‌شوند. حال این سوال مطرح می‌شود که ما چگونه می‌توانیم این توانایی را در فرزندان خود ایجاد و تقویت کنیم. خوشبختانه مهارت حل مسئله، مهارتی قابل یادگیری است. در ادامه به تفصیل به تشریح این مطلب پرداخته می‌شود.

یکی از مهمترین اصول در آموزش و یادگیری تفکر است. حل مسئله گسترده‌ترین نوع تفکر است. زمانی که فرد بتواند مسائل درسی و علمی را حل کند، به خلاقیت و تفکر انتقادی نیز می‌رسد و قادر است که در زندگی سازگار و کاردان عمل کند. در ادامه به توانایی حل مسئله پرداخته می‌شود. حل مسئله، یکی از مهم‌ترین هدف‌های آموزشی به شمار می‌آید و یکی از انتظارات والدین و معلمان کسب توانایی حل مسئله می‌باشد. از این رو از گذشته تا کنون روان‌شناسان و نظریه‌پردازان گوناگون به بررسی این مهارت پرداخته‌اند. در رابطه با حل مسئله می‌توان گفت زمانی که فرد یادگیرنده در یک موقعیت پیچیده قرار می‌گیرد (مثلاً با یک تمرین ریاضی دشوار روبه رو می‌شود) و نمی‌تواند با استفاده از دانش و اطلاعات خود آن را حل کند، می‌گوییم او توانایی حل مسئله را ندارد. گاه فرزندان ما در مطالعه‌ی دروس بسیار کوشا هستند و سوالات سطحی را به خوبی پاسخ می‌دهند، اما زمانی که با یک مسئله‌ی دشوار

روبه‌رو شدند، نمی‌توانند دانش خود را به کار گیرند و آن را حل کنند. در اینجا است که آنها با وجود مطالعه و تلاش بسیار به موفقیتی نمی‌رسند و سرخورده می‌شوند. حال این سوال مطرح می‌شود که ما چگونه می‌توانیم این توانایی را در فرزندان خود ایجاد و تقویت کنیم. خوشبختانه مهارت حل مسئله، مهارتی قابل یادگیری است. در ادامه به تفصیل به تشریح این مطلب پرداخته می‌شود.



برای خواندن مقاله QR را اسکن کنید